

بسمه تعالی

خلاصه مقاله «ساخت های سببی در زبان فارسی»

در این مقاله، دو ویژگی نحوی و معنایی ساخت های سببی (causative) در زبان فارسی امروز مورد بحث قرار گرفته است. دکتر دبیر مقدم معتقد است که توصیفاتی که دستور نویسندگان سنتی، ساخت گرایان و ساختاریان از ساخت های سببی در زبان فارسی ارائه نموده اند، محدود به توصیف ناقصی از ساخته های سببی تک واژی نظیر افعال دواندن/دوانیدن و خوردن/خورانیدن می باشد. در این مقاله دو هدف کلی مدنظر است:

الف- معرفی دو مقوله عمده سببی و فارسی شامل:

- 1- ساخت های سببی مرکب (سببی های فاعلی - التزامی و مفعولی - التزامی)
 - 2- ساخت های سببی ساده شامل سببی های ریشه ای، تک واژی و کمکی
- ب- توصیف ویژگی های نحوی و معنایی هر یک از دو ساخت فوق الذکر
- در این نوشتار ساخت های سببی به مجموعه ای از جملات اطلاق می گردد که در آن، شخص، حادثه و یا پدیده ای (سبب یا causer)، محرک و انگیزه ای برای شخص یا عامل دیگری (مسبب causee) میشود تا عملی را انجام داده و یا پذیرای حالتی شود و یا در حالتی باقی بماند.

در مبحث ساخت های سببی مرکب:

فعل سببی مرکب در اصطلاح به فعلی گفته میشود که احتیاج به یک جمله ی متمم دارد؛ در تمامی ساخت های سببی مرکب در زبان فارسی، جمله ی متمم توسط نشانه ی «که» از جمله جدا شده و همچنین، همیشه فعل آن، از وجه التزامی است.

در این مقاله به تقسیم بندی افعال سببی مرکب بر مبنای تضمن به معنای ضمنی اشاره گردیده است عبارت اند از:

الف- دارای معنای ضمنی مثبت که به فعلی اطلاق میشود که متضمن وقوع جمله ی متمم میباشد.

ب- دارای معنای ضمنی منفی که متضمن نفی وقوع جمله ی متمم بوده.

ج- فاقد معنای ضمنی که نه متضمن وقوع و نه متضمن نفی آن خواهد بود.

به عبارت دیگر در موارد الف و ب، عمل بهره کشی (مثبت یا منفی) توسط سبب و موفقیت انجام پذیرفته است ولی در مورد ج گزارشگر تلاش سبب به منظور بهره کشی بوده، اما این که موفق عمل کرده یا نه و جمله ی متمم تحقق یافته یا نه مشخص نیست. افعال: باعث شدن، گذاشتن، وادار کردن و مجبور کردن، دارای معنای ضمنی مثبت هستند. افعال: جلوگیری کردن و بازداشتن دارای معنای ضمنی منفی هستند و افعال: گفتن، خواهش کردن، اجازه دادن، نصیحت کردن و دستور دادن، فاقد معنای ضمنی هستند.

در زبان فارسی، معیار تضمن در برابر عدم تضمن معنای ضمنی، که یک مولفه معنایی است، با سه مولفه نحوی ارتباط مستقیم دارد. چکیده ی این مولفه های نحوی به قرار زیر است:

الف- در ساخت های سببی مرکب که فعل اصلی دارای معنای ضمنی (مثبت یا منفی) باشد، مسبب همیشه دارای یکی از دو نقش فاعلی با مفعول مستقیم میباشد ولی در ساخت هایی که فعل فاقد معنای ضمنی است، مسبب هیچ گاه در این دو نقش ظاهر نمی شود. مثال:

1-الف - مادر بچه ها را وادار کرد که [غذایشان را بخورند] متمم

ب- ... و بچه ها غذایشان را خوردند.

ج- * ... ولی بچه ها غذایشان را نخوردند.

2-الف - من از این که [او برود] متمم جلوگیری کردم.

ب- ... و او نرفت.

ج- *... ولی او رفت .

ب- در جملات متمم ، افعال سببی فاقد معنای ضمنی ، فرایند نحوی «مصدر ساز» عمل نمی کند افعال سببی دارای معنای ضمنی (خواه مثبت یا منفی) عمل مینمایند . مثال :

1- من از [رفتن او]مصدر جلوگیری کردم .

2- مادر بچه ها را به [خوردن غذایشان]مصدر وادار کرد .

3- * من [رفتن]مصدر را از او خواهش کردم .

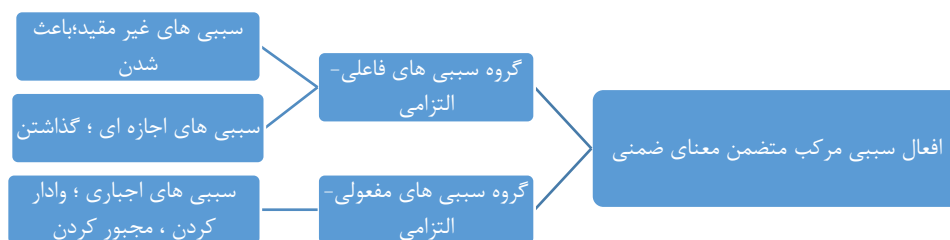
ج- در ساختار سببی با افعال اصلی دارای معنای ضمنی ، زمان رخداد فعل جمله پیرو بلافاصله بعد از زمان رخداد فعل جمله پایه است ، در صورتی که افعال اصلی فاقد معنای ضمنی ، مقید به چنین محدودیتی نیست . مثال :

1- * دیروز مادر بچه ها را وادار کرد که [فردا غذایشان را بخورند]متمم .

2- دیروز من به او دستور دادم که [فردا برود]متمم .

شواهدی که ارائه گردید ، مؤند ادعا های (الف) تا (ج) در خصوص ارتباط مستقیم بین معیار تضمن در برابر عدم تضمن معنای ضمنی از یک سو و سه مؤلفه نحوی از سوی دیگر است.

این مقاله صرفاً به ساخت های سببی مرکب که متضمن معنای ضمنی مثبت هستند می پردازد. دکتر دبیر مقدم در این مقاله ، برای ورود به بحث افعال سببی مرکب متضمن معنای ضمنی مثبت ، تقسیم بندی زیر را انجام داده اند:



مثال ها:

1- این زن باعث شد که [علی بهترین دوستم را بزند]متمم

2- پیر مرد گذاشت که [بچه ها او را به طرف دیگر خیابان ببرند]متمم

3- مادر بچه ها را وادار کرد که [غذایشان را بخورند]متمم

الف- سببی های فاعلی-التزامی:

الف-1: سببی های غیرمقید: در زبان فارسی سه فعل سببی مرکب با معنای مشابه وجود دارد که گروه افعال سببی غیر مقید را تشکیل می دهند. اولین عنصر در این افعال مرکب ، اسم و دومین آن ها فعل کمکی ، شدن ، می باشد:

اسم (باعث/موجب/سبب) شدن

در بخش 1.1.1.2.2 صورت های مختلفی را بررسی کرده است که جمله ی متمم سببی های غیر مقید، پذیرا می شود. واقعیتی را که در مورد افعال فوق ذکر می نماید آن است که همه ی آن ها افعال لازم هستند همچنین اشاره ای به مقاله طبائیان(1979) می نماید که در آنجا این موضوع مطرح گردیده است که: در واقع تماک افعالی که با فعل کمکی ، شدن، ساخته می شوند ، افعال لازم هستند. در نهایت و به طور خلاصه نتایجی که از این بخش حاصل آمده اند عبارتند از:

الف- متمم اسمی در ژرف ساخت بین دو سازه فعل «باعث شدن» قرار دارند.

ب- متمم فعل سببی «باعث شدن» می تواند صورت های نحوی مختلفی را پذیرا شود و در این خصوص هیچ محدودیتی مشاهده نمی شود

در بخش های 2.1.1.2.2 ویژگی های معنایی سببی های غیر مقید مطرح می شوند که به طور خلاصه در بند های این بخش نشان داده می شود که فعل سببی «باعث شدن» دارای ویژگی های معنایی ذیل می باشد:

الف- این فعل از نظر مشخصه ی «محدودیت های گزینشی» غیر مقید است.

ب- این فعل در ارتباط با معیار «اجبار» در برابر «عدم اجبار» غیر مقید است.

ج- این فعل در ارتباط با معیار «سببی مستقیم» در برابر «غیر مستقیم» غیر مقید است.

د- این فعل در ارتباط با معیار «آنی» در برابر «تداومی» غیر مقید است.

2.1.2.2 سببی اجازه ای:

م.شبیبا تافی در رساله دکتری خود (1973، ص48)، فعل سببی اجازه ای را به شرح زیر تعریف می کند:

«[سببی اجازه ای] حالتی است که سبب ، فعالانه راه را برای فعالیت مسبب باز می کند و یا از او در انجام کاری ممانعت به عمل نمی آورد.»

این مفهوم در زبان فارسی با فعل «گذاشتن» بیان می گردد.

1.2.1.2.2 صورت های مختلف جمله ی متمم:

این که ضمیر «این» همراه با حرف نشانه ی «را» می تواند به اختیار پیش از فعل «گذاشتن» در دو ساخت ، ظاهر شود. حاکی از آن است که جمله ی متمم این فعل در ژرف ساخت در جایگاه مفعول مستقیم قرار دارد. مثال:

پیر مرد [این را] گذاشت که [بچه ها او را به طرف دیگر خیابان ببرند] متمم

فعل اجازه ای «گذاشتن» بر خلاف فعل غیر مقید «باعث شدن» ، از نظر مشخصه ی «زیر مقوله ای» مقید است زیرا مجهول ، اسنادی و ناگذرا است. جملات زیر مؤید این ادعاست:

- 1- پیر مرد گذاشت [او] متمم (توسط بچه ها) به طرف دیگر خیابان برده (ب) شود
 - 2- پیر مرد حقیقت را به بچه ها نگفت، او گذاشت که [امروز آن ها خوشحال باشند] متمم
 - 3- ماجرا را برای بچه ها بگو ، بگذار که [آن ها هم خوشحال بشوند] متمم
- به طور خلاصه شواهد ارائه شده در این بخش دال بر نتایج ذیل می باشند:
- الف- جمله ی متمم فعل اجازه ای، همیشه به صورت یک جمله ی تمام است.
- ب- هیچ محدودیتی در خصوص صورت های مختلف جمله ی متمم، تا زمانی که به صورت یک جمله ی تمام باشد، وجود ندارد.

2.1.2.2.2 ویژگی های معنایی سببی اجازه ای :

اولین ویژگی معنایی «گذاشتن» عدم اجبار است . صحت این ادعا را ناهنجاری جمله اجازه ای زیر که دارای قید اجبار است ، ثابت می کند :

*این زن با توسل به زور گذاشت که [علی بهترین دوستن را بکشد] متمم

دومین ویژگی معنایی «گذاشتن» در ارتباط با معیار سببی مستقیم ، در برابر سببی غیر مستقیم ، است .

و سرانجام «گذاشتن» مفهوم سببی و آنی ، را القا می کند . بطور خلاصه فصل اجازه ای گذاشتن دارای ویژگی های معنایی زیر است :

الف- این فصل بدون هیچ محدودیتی در خصوص صورتهای مختلف جمله متمم تا زمانی که متمم بصورت یک جمله تمام باقی بماند ، ندارد .

ب- این فصل متضمن مفهوم و عدم اجبار ، است .

ج- این فصل در ارتباط با معیار سببی مستقیم ، در برابر و سببی غیر مستقیم ، غیر مقید است .

د- این فصل متضمن مفهوم و آنی ، است .

2.2.2 سببی های مفعولی-التزامی :

1.2.2.2 سببی های اجباری :

افعال (واداشتن ، وادار کردن ، مجبور کردن) در زبان فارسی برای بیان ساخت سببی اجباری بکار می رود . از نظر وارژی ، این سه فعل ، از مقوله افعال مرکب هستند ، اما اولین عنصر فعل مرکب در «واداشتن» پیشوند است . در صورتی که اولین عنصر در ، بند های «وادار کردن» و «مجبور کردن» مستقل است . همانطور که از عنوان این بخش بر می آید ، برجسته ترین ویژگی معنایی افعال فوق ، این است که آنها جملگی مفهوم سببی اجباری را بیان می کنند . میزان اجباری که توسط هر فعل القا می شود ، حاکی از وجود پیوستار ، یا طیفی از مفهوم اجبار است که «مجبور کردن» بالاترین طیف و بعد از آن به ترتیب «وادار کردن» و «واداشتن» قرار دارند .

1.1.2.2.2 صورتهای مختلف جمله متمم :

بر خلاف آن دو مقوله سببی که تحت عنوان سببی های فاعلی - التزامی به بحث گذاشته شد ، سببی های اجباری به دو متمم مفعولی نیاز دارند : یکی در جایگاه مفعول مستقیم و دیگری در جایگاه مفعول حرف اضافه ای .

دکتر دبیر مقدم به پیروی از کتاب پرمیوتر (1971) محدودیت ژرف ساختی زیر را برای نحو زبان فارسی پیشنهاد می کنند که بر اساس آن هر ژرف ساختی که فعل آن از مقوله سببی های مفعولی - التزامی است ، الراما می بایست منطبق با آن محدودیت باشد ، در غیر این صورت چنین ژرف ساختی ، هیچ گاه رساخت دستوری بدست نخواهد داد . این محدودیت ژرف ساختی یا ، رساختی همانند یک صافی در آنها عمل می نماید .

محدودیت برای گروه اسمی : « در ژرف ساخت آن دسته از ساختههای سببی که دارای مفعول در جمله پایه است ، مفعول جمله پایه می بایست با فاعل جمله متمم یکی باشد . »

بطور خلاصه در ، بند های این بخش نشان داده شد که ساختههای سببی اجباری دارای ویژگی های ذیل می باشند :

الف- این ساختهها نیاز به دو متمم دارند : مفعول مستقیم و متمم حرف اضافه ای .

ب- متمم حرف اضافه ای در این صورت مصدری آن تجلی می کند .

ج- زبان فارسی دارای یک محدودیت ژرف ساختی است که بر اساس آن مفعول جمله پایه در ساختههای سببی می بایست با فاعل جمله پیرو یکی باشد .

د- حذف فاعل جمله پیرو به لحاظ عملکرد یک فرآیند کلی که حذف ضمیر غیر مؤکد فاعلی نامیده شد ، صورت می گیرد .

2.1.2.2.2 ویژگی های معنایی سببی های اجباری :

ویژگی های معنایی افعال سببی اجباری به قرار زیر است :

الف- این افعال فقط جملات متممی را می پذیرند که حاکی از اجرای عملی است .

ب- این افعال مفهوم و سببی اجباری ، را القا می کند .

ج- این افعال متضمن مفهوم و سببی مستقیم ، است .

د- این افعال در رابطه با معیار سببی و آنی ، در برابر و تداومی ، غیر مقید است .

3.2 نظام سببی مرکب در زبان فارسی :

مراجعه به نتایج یافته ها در خصوص ویژگی های معنایی سببی های مرکب مشخص می کند که «باعث شدن» و افعال هم گروه آن ، کلی ترین نوع سببی یا به عبارتی سببی غیر مقید است .

«گذاشتن» کلیت کمتری دارد ، و «وادارکردن» و افعال هم گروه آن مقدترین مقوله سببی مرکب را تشکیل می دهند . بر اساس دو مشخصه ، اجباری و سببی مستقیم ، حوزه معنایی سببی های غیر مقید و اجاره ای ، که مجموعاً مقوله سببی های فاعلی – التزامی را تشکیل می دهد ، دارای ویژگی های معنایی مشترک بیشتری با یکدیگر هستند ، تا با سببی های مفعولی – التزامی . این نکته حاکی از ارتباط بین ویژگی های معنایی یک مقوله و صورت نحوی آن می باشد .

هر انتخابی که از سوی فارسی زبانان در ارتباط با دو مشخصه اجباری و سببی مستقیم ، صورت می گیرد ، تاثیر مستقیم بر تجلی رو ساختی مسبب در حالت فاعلی یا مفعولی دارد باید اضافه نمود که برخورداری از همین دو مشخصه معنایی نیز توجیه گر عدم پذیرش متممهای اسنادی ، ناگذرا و مجهول توسط افعال سببی مفعولی – التزامی و پذیرش این متمم ها توسط سببی های فاعلی – التزامی است ؛ زیرا شناخت ما از پدیده های جهانی و ذات انسان حکم می کند که سبب نمی تواند مسببی را مجبور کند که در حالتی باقی بماند (در مورد متمم های اسنادی) و یا پذیرای تغییر حالتی شود (در مورد متمم های ناگذرا و مجهول) ، در صورتی که او میتواند باعث شود ، یا راه را بگشاید تا مسببی در حالتی باقی بماند یا پذیرای حالتی شود .

3. ساختهای سببی ساده :

عنوان سببی های ساده در این مقاله به ساختهایی اطلاق می گردد که عمل سببی و پیامد آن مجموعاً بصورت یک جمله منفرد و ساده ابراز می شود . از این رو ، مسبب در این ساختها ، یا بصورت مفعول مستقیم یا در نقش مفعول غیر مستقیم ظاهر می شود .

1.3 مقدمه :

افعالی که در ساختهای سببی ساده ظاهر می شوند از نظر تکواژی به یکی از سه گروه : (1) سببی های ریشه ای (2) سببی های تکواژی و (3) سببی های کمکی ، تعلق دارند . اصطلاح سببی ریشه ای به افعالی اطلاق می شود که از جنبه معنایی ، سببی است اما فاقد تکواژی قابل تفکیک است که منطبق با معنای سببی باشد . رابطه غیر سببی – سببی در (1) و (2) و (3) را به ترتیب :

برابر ، نابرابر و نابرابر مرکب می نامیم .

اصطلاح سببی های تکواژی به افعالی گفته می شود که ستاک آن از پیوند پسوند ان ، به ستاک حال برابر غیر سببی آن حاصل می شود . رابطه غیر سببی – سببی بین فعل دويدن ، دواندن / دوانیدن ، معرف تشکیل ساختهای سببی تکواژی است .

اصطلاح سببی های کمکی به آن گروه از افعال مرکب متعدی اطلاق می گردد که از یک صفت به اضافه فعل کمکی «کردن» ساخته می شوند . رابطه غیر سببی – سببی موجود بین تلخ شدن / بودن و تلخ کردن ، معرف این گروه از افعال سببی است .

2.3 سببی های ریشه ای :

تعداد افعال سببی ریشه ای در زبان فارسی بسیار محدود است .

افعال سببی ، برابر ، از افعال سببی و نابرابر ، (ساده یا مرکب) را در این ویژگی که گروه اول ، تنها پذیرای مسبب بی جان است ، در حالی که گروه دوم پذیرای مسبب جاندار (و بی جان) است ، می توان تفکیک نمود .

استنباط فوق را می توان با توجه به رفتار فعل سببی «نگه داشتن» در برابر فعل لازم «نگه داشتن» از یک سو و فعل سببی «نگه داشتن» در برابر فعل لازم «ماندن» که در جملات زیر به کار رفته اند ، قوت بخشید :

الف- ماشین نگه داشت . ج- علی در خانه اش ماند .

ب- علی ماشین را نگه داشت . د- سعید ، علی را در خانه اش نگه داشت .

نهایتاً افعال سببی ریشه ای در فارسی عمدتاً متضمن مفهوم سببی و تداومی ، است . از این رو ، در جملات (ب) و (د) ، نفوذ سبب در تحقق فرآیند سببی در سرتاسر ، آن فرایند ، استمرار دارد . اما تعدادی از افعال این مجموعه ، همچون فرستادن و کشتن ، فقط مفهوم سببی ، آنی ، را القا می کند .

3.3 سببی های تکواژی :

در مقایسه با سببی های ریشه ای ، مجموعه افعال سببی تکواژی مجموعه ای پر عضو تر را تشکیل می دهد . به بیان دقیق تر ، در زبان فارسی بیش از 60 فعل سببی تکواژی وجود دارد:

| مثال: غیر سببی | ستاک حال | سببی |
|----------------|----------|-----------------|
| پریدن | پر | پراندن/پراندیدن |

بررسی دقیق افعال غیر سببی نشان می دهد که این افعال، یا فعل لازم هستند و یا گروه ویژه ای از افعال متعدی که آن را «نیمه متعدی» (semi-transitive) یا متعدی خود بهره ور (affective) می نامیم. فعل نیمه متعدی به فعلی اطلاق می شود که فاعل آن هم، عامل عملی است که فعل بر آن دلالت دارد و هم بهره ور از حاصل آن عمل. به عبارت روشن تر فاعل افعالی نظیر: خوردن ، پوشیدن ، نوشیدن ، فهمیدن ؛ نه تنها انجام دهنده ی عمل خوردن ، پوشیدن ، نوشیدن ، فهمیدن است بلکه خود و نه دیگری از حاصل این اعمال بهره مند می گردند. افعال متعدی تمام عباری چون: شستن ، پرستیدن ، پذیرفتن ، نوشتن ، دوختن ، پرسیدن ، دزدیدن ، پرداختن ، بافتن ، گفتن و ... هیچ گاه با کمک تکواژ (-ان) به سببی تبدیل نمی شوند. ویژگی دیگر افعال غیر سببی آن است که فاعل این افعال عمدتاً عامل است.

سرانجام آن که افعال سببی تکواژی عمدتاً متضمن مفهوم سببی تداومی هستند، اما تعدادی فعل سببی تکواژی وجود دارد که از آن ها فقط مفهوم سببی آنی استنباط می شود. به عنوان مثال در جمله ی زیر مسبب مثلاً با به کارگیری کود شیمیایی نا مناسب محرک فرآیند سببی می شود و خشک شدن گل ها به طور خودکار و فارغ از نفوذ و تسلط وی محقق می شود. مریم تمام گل های توی باغچه را خشکاند/خشکانید.

4.3 سببی های کمکی:

از میان سببی های ساده در فارسی، مقوله ی سببی های کمکی زایا ترین مقوله است در واقع ترکیب هر صفت با فعل کمکی «کردن» یک فعل سببی کمکی به دست می دهد. برابر غیر سببی فعل کمکی سببی «کردن» ، فعل کمکی «شدن» و فعل اسنادی «بودن» است.

| غیر سببی | سببی |
|-----------------|-------------|
| تلخ بودن/شدن | تلخ کردن |
| ناراحت بودن/شدن | ناراحت کردن |

افعال سببی کمکی در ارتباط با مشخصه ی آنی در برابر تداومی دو گروه منظم را تشکیل می دهد. فعل هایی که مسبب آن ها جاندار است مثل: حسن علی را ناراحت کرد؛ جملگی مفهوم سببی آنی را القاء می کنند و از فعل هایی که مسبب آن ها بی جان است مثل: علی پنجره را باز کرد؛ جملگی مفهوم سببی تداومی استنباط می شود.

5.3 تحلیل های پیشین:

از میان ساخت های سببی در فارسی (خواه سببی های مرکب یا ساده)، قبلاً فقط از سببی های تکواژی بحث شده است. دستور های سنتی همچون فیلات(1919)، خیامپور(1352) و توصیف های ساختگرایان همچون نای(1954) فقط به توصیف تشکیل افعال سببی تکواژی از برابر غیر سببی آن و ارائه ی چند مقاله بسنده کرده اند. توصیف های گشتاری این موضوع که شامل: ج.معین(1970) و دبیر مقدم(1979) است، جملگی ژرف ساختی دو جمله ای (مرکب) برای این ساخت ها قائل شده اند.

2.5.3 توضیفی همگن:

نظریه ی واژگانی ای که آن را مبنای توصیف رابطه ی غیر سببی و سببی در افعال زبان فارسی قرار خواهیم داد، صورت تعدیل یافته و اصلاح شده ی فریضه ی واژگان گرای مطرح شده در مقاله 1975 جکندوف است. در این فریضه، واژگان از دو سازه ی عمده تشکیل شده است:

1- مجموعه ای از مدخل های واژگانی (lexical entries) زبان مورد توصیف.

2- مجموعه ای از قواعد اطلاعات حشو (redundancy rules)

6.3 نظام سببی ساده در زبان فارسی:

بارزترین مشخصه ی سببی های کمکی که زایا ترین مقوله ی سببی ساده در زبان فارسی است ، آنست که: مسبب (جاندار) این افعال، تجربه گر یک حالت روانی است. این مقوله را سببی های تجربی می نامیم. از سوی دیگر، برجسته ترین مشخصه ی سببی های تکواژی که از نظر زبایی در رده ی دوم سببی های ساده قرار دارند، این است که مسبب آن ها عامل است. این مقوله از سببی های ساده را، سببی های عملی می نامیم و نهایتاً، بارز ترین ویژگی سببی های ریشه ای که نادر ترین مقوله ی سببی است، آنست که مسبب آن ها پذیرا هستند، این مقوله از سببی های ساده را، سببی های پذیرایی می نامیم.

در نهایت و پس از بررسی چند مورد فعل غیر سببی متعدی در مجموعه ی افعال ریشه ای، نشان می دهد که فاعل این افعال ، خود جملگی بهره ور از حاصل فعل هستند و با توجه به این که قبلاً در بحث سببی های تکواژی نشان داده شد که تنها افعال سببی خود بهره ور یا نیمه متعدی، نیز تکواژ سببی ساز را پذیرا می شوند. از این رو می توان ادعا کرد که در زبان فارسی محدودیتی وجود دارد که هیچ گاه اجازه نمی دهد یک فعل غیر سببی متعدی تمام عیار به کمک ساخت سببی ساده (خواه ریشه ای یا تکواژی) تبدیل به سببی گردد.

4. ساخت های سببی مرکب و ساده:

نگاهی بر نظام سببی در زبان فارسی: در پرتو نتایجی که در بخش های 2 و 3 بدست آمد، در این بخش وجوه اشتراک و افتراق و ارتباط بین سببی های مرکب از یک سو، و سببی های ساده از سوی دیگر، که مجموعاً نظام سببی در زبان فارسی را تشکیل می دهند بررسی و توصیف می شوند.

1.4 وجوه اشتراک:

مشخصه‌ی معنایی مشترکی که بین سببی‌های ساده و مرکب وجود دارد آنست که جملگی متضمن تحقق و وقوع فرایندی است که سبب بر مسبب تحمیل نموده است و یا برای او مجاز داشته، به غیر از این مشخصه‌ی مشترک، هیچ وجه اشتراک دیگری بین سببی‌های مرکب و ساده مشاهده نمی‌شود.

2.4 وجوه افتراق:

دو ویژگی نحوی ساخت‌های سببی مرکب فارسی، آن‌ها را از ساخت‌های سببی ساده متمایز می‌کند:

1- این ساخت‌ها از یک جمله‌ی پایه و یک جمله‌ی پیرو تشکیل شده‌اند.

2- مسبب در این ساخت‌ها یا نقش فاعلی دارد و یا نقش مفعول مستقیم.

از سوی دیگر سببی‌های ساده:

الف- ساخت‌های تک جمله‌ای هستند.

ب- مسبب در آن‌ها یا مفعول مستقیم است یا مفعول غیر مستقیم.

این تفاوت‌های نحوی به گونه‌ای منظم با تفاوت‌های معنایی بین این دو ساخت مرتبط هستند. تمایز معنایی (و نقش) بین این دو ساخت در زبان فارسی به این صورت خواهد بود که: سببی‌های مرکب، القاء‌کننده‌ی مفهوم سببی غیر مستقیم است در حالی که از سببی‌های ساده، مفهوم سببی مستقیم (یا سببی نه‌آنچنان غیر مستقیم) استنباط می‌گردد. پیامد این نتیجه آنست که: در صورتی که فعلی را بالقوه بتوان هم به صورت مرکب و هم به صورت ساده (مانند (1) و (2))، مستقیم یا غیر مستقیم بودن رابطه‌ی بین سبب و مسبب، یکی از ملاک‌های عمده‌ی انتخاب بین دو ساخت خواهد بود:

(1) مریم تمام گل‌های توی باغچه را خشکاند/خشکانید.

(2) مریم باعث شد که [تمام گل‌های توی باغچه] بمشکد.

3.4 وجوه ارتباط:

خلاء‌های ناشی از محدودیت در پذیرش نوع متمم توسط افعال سببی اجباری به طور منظم به کمک ساخت‌های زیر پر می‌شوند: خلاء ناشی از عدم پذیرش متمم مجهول، توسط برابر معلوم آن متمم بر طرف می‌گردد. خلاء ناشی از عدم پذیرش متمم‌های ناگذرا و اسنادی توسط سببی‌های کمکی پر می‌شود. نوع دیگر از ارتباط خلاء پرکنی که بین سببی‌های ساده و مرکب وجود دارد در موارد ذیل مشاهده می‌گردد:

(1) آن دسته از افعال لازم را که فاقد برابر سببی تکواژی هستند می‌توان با کمک افعال سببی مرکب تبدیل به سببی کرد.

(2) از آن‌جا که تنها افعال لازم و افعال متعدی خود بهره‌ور را می‌توان توسط تکواژ سببی ساز تبدیل به سببی کرد کلیه‌ی افعال متعدی تمام عیاری همچون یافتن، شستن، نوشتن، دوختن، تبسم کردن، ازدواج کردن و...، و نیز کلیه افعال متعدی مرکب نظیر: دوست داشتن، فراگرفتن، درک کردن، دریافت کردن و...، که فاقد برابر سببی ساده هستند، می‌توانند با قرار گرفتن در جمله‌ی متمم افعال سببی مرکب سببی شوند.

جلوه‌ی دیگری از ارتباط بین سببی‌های مرکب و ساده، در بیان مفهوم سببی در سببی یا سببی میانجی (mediated causation) است، یعنی حالتی که سببی شماره 1، سببی شماره 2 (یا میانجی) را بر می‌انگیزد تا باعث انجام دادن عملی شود. قاعده‌ی کلی برای

بیان این مفهوم قرار دادن ساخت های سببی ساده به صورت متمم در افعال سببی مرکب است. شایان توجه است که در گذر از ساخت سببی عادی به ساخت سببی در سببی (میانجی)، سبب اولیه به صورت میانجی ظاهر شده و با حرف اضافه ی «توسط» مشخص می گردد؛ اما هیچ تغییر نقشی در دیگر گروه های اسمی پدید نمی آید. مثال:

الف- نامه به علی رسید.

ب- پستی نامه را به علی رساند/رسانید.

ج- من توسط پستی نامه را به علی رساندم/رسانیدم.

پایان